



## دیدار هفته در تلویزیون پرتو

کوروش مدرسی

- زندان رفتن بخشی از مبارزه با رژیمهای فاشیستی
- یک سازمان مارکسیستی ولی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی علنی؟

**پرتو:** بخش زیادی از دانشجویانی که از ۱۳ آذر به بعد دستگیر شده بودند آزاد شده اند. برای تعداد دیگری که هنوز در زندان هستند وثیقه های سنگینی تعیین کرده اند. بالاترین مقدار وثیقه سیصد میلیون تومانی است که برای بهروز کریمی زاده تعیین کرده اند و به خانواده او اعلام کرده اند که اگر وثیقه را پرداخت نکنند، ایشان را به زندان عمومی میفرستیم و در آنجا هم مسئولیت جان او با ما نیست و ظاهراً و رسماً آزاد شده است. وثیقه های سنگین برای چیست؟ سیاست رژیم چیست؟ فکر می کنید خانواده ها، مردم و دانشجویان در مقابل این مشکل چه کار باید بکنند؟

**کوروش مدرسی:** در این دوره اخیر جمهوری اسلامی برای اینکه پرچم چپ را بشکنند به دانشجویان حمله کرد. چپ نیرویی بود که بعد از سالها در دانشگاه قدم به میدان مبارزه گذاشت. با ورشکست شدن تمام جریانات ناسیونالیستی و قومی و کیش مات شدن شان و همیطور در مقابل رسوا شدن **صفحه ۲**



## دهها هزار نفر در سراسر جهان صدمین سالگرد روز جهانی زن را گرامی داشتند!

## قطعنامه تحریم شورای امنیت محکوم است

سومین قطعنامه تحریم های شورای امنیت علیه ایران به تصویب رسیده است. قطعنامه جدید شورای امنیت در ادامه فشارها و اهداف بورژوازی جهانی برای سازش با ایران است. چین و روسیه بلافاصله اعلام کرده اند که این قطعنامه تاثیری بر روابط آنها با جمهوری اسلامی نخواهد داشت. خاور سو لانا به نمایندگی اتحادیه اروپا برای دور دیگر مذاکره با دولت ایران اعلام آمادگی کرده است. با وجود اینها تبعات و نتایج قطعنامه جدید شورای امنیت برای مردم ایران و امنیت منطقه به شدت زیانبار است.

یک بعد نگران کننده قطعنامه این است که شورای امنیت برای نخستین بار به دولت ها اجازه میدهد که کشتی ها و هواپیماهای ایرانی را مورد بازرسی قرار دهند. این اقدام به دولت امریکا و متحدینش امکان میدهد تا به بهانه بازرسی کشتی ها و هواپیماهای "مشکوک"، منطقه را نا امن کرده و هم به جمهوری اسلامی فرصت ماجراجویی را خواهد داد.

از طرف دیگر قطعنامه جدید شورای امنیت صرفنظر از هر درجه اهمیت یا بی اهمیتی آن، به جمهوری اسلامی فرصت فشار بیشتر بر طبقه کارگر و مردم را میدهد. این بهانه دیگر برای رژیم است تا هم بردامنه تعرض به سطح معیشت مردم و ابعاد گرانی و تورم بیفزاید و هم سرکوب و جنایت بیشتری را علیه مخالفینش اعمال کند. این قطعنامه مستقیماً علیه مردم ایران است.

به این دلایل کاملاً روشن اقدام جدید شورای امنیت محکوم است. شورای امنیت نهادی در خدمت اهداف بورژوازی بین المللی و شورای مرتجعین است. تصمیمات این نهاد هیچ ربطی به منافع مردم در جهان ندارد. طبقه کارگر و مردم ایران این بازیهایی بورژوازی جهانی و نهادهای وابسته اش را مستقیماً علیه منافع خود میدانند و راه خود را که کسب آزادی و برابری است، میروند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست  
۱۶ اسفند ۸۶ (۶ مارس ۲۰۰۸)

### در صفحات دیگر

- تحریم سوم ایران: اهرمی برای تعرض به مردم رحمان حسین زاده **صفحه ۳**
- دهها هزار نفر در سراسر جهان صدمین سالگرد روز جهانی زن را گرامی داشتند! **صفحه ۶**
- در مورد قرار حزب اتحاد کمونیسم کارگری و بحثهای حول آن خالد حاج محمدی **صفحه ۷**
- از فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب حمایت میکنیم **صفحه ۶**
- تلخیصی از گزارش تشکیلات خارج حزب حکمتیست از مراسمی ۶ مارس **صفحه ۳**
- ۸ مارس در شهرهای ایران، با تمام ممانعتهای جمهوری اسلامی گرامی داشته شد! **صفحه ۸**

### ساعات پخش تلویزیون پرتو

۸:۳۰ تا ۹:۳۰ هر شب به وقت تهران  
تکرار: روز بعد ۲ تا ۳ بعد از ظهر،  
ماهواره هات برد، کانال ۶

### نشریه مزب کمونیست کارگری - پرتو

حکمتیست هر هفته دو شنبه ها منتشر می شود

پرتو را بفروید و به دوستان خود معرفی کنید

تهیه کرده است، جرات دارد نشان دهد. نشان بدهد تا معلوم بشود که این رژیم چیست. چشم مردم را بر ماهیت کثیف این رژیم بیشتر باز میکند. داشتن و پخش نکردن این فیلم ها اخذی کثیف اسلامی است. دستگیر شدگان مطلقا نباید مقهور این اخذی اسلامی شوند. بگویید پخش کنید! سند کثافت اسلامی را پخش کنید! مگر چه شده شما ما را کتک زدید باتوم برقی به من استعمال کرده اید آن وقت مرا آوردید در تلویزیون به عنوان حقانیت و افتخار اسلام نشان میدهید؟ ننگ بر این ایدئولوژی، ننگ بر این اسلام، ننگ بر این فرهنگ، ننگ بر این رژیم!

این عکس العمل مردم خواهد بود. رفتار رژیم سیاست داهیه ای است که که تیمور و هلاکوی مغول هم بلد بودند! می خواهم بگویم که مطلقا جای ترسیدن نیست. جمهوری اسلامی اگر "سندی" دارد، آن سند بیش از هر چیز سند محکومیت خودش است. پرتو: این کسانی که زیر شکنجه رفته اند، طیف قاطع شان جزء بهترین رهبران و پیشروان آزادیخواهی و برابری طلبی اند از سعید حبیبی بگیر تا بهروز کریمی زاده که صحبتش را کردیم تا تپیهای مختلفی که امروز در این صف هستند، فکر می کنید از این که رفته اند زندان و فعلا به نوعی دوره بهبودیشان را طی می کنند هم به لحاظ جسمی و هم به لحاظ روحی و روانی، آیا به موقعیت سیاسی اینها در جامعه لطمه وارد شده؟

**کوروش مدرسی:** ببینید، منطق مبارزه سیاسی با رژیم های ارتجاعی با رژیم های فاشیست همین است. رفتن به زندان، آمدن بیرون و ادامه دادن. نلسون ماندلا بیست و هفت سال در زندان بود، آدمهای دیگر را که نگاه کنید میروند زندان و بیرون می آیند، دستگیر می شوند. زندان رفتن بخشی از مبارزه با رژیمهای فاشیستی است. نه تنها رژیم های فاشیستی بلکه در انگلستان هم اسکار گیل رهبر کارگران معدن را می برند زندان. معلوم است مارگارت تاچرا او را به زندان انداخته رهبر

موجودات کثیفی هستند. حالا که دست ما به آنها نمی رسد، دست مردم محل و بچه های شان به آنها می رسد. دست خانواده شان که به آنها می رسد. مردم هر محل، بچه هایشان و خانوادشان به صورتشان تف خواهند کرد. این تا وقتی است که ما مجازات شان کنیم و مزدشان را کف دستشان بگذاریم. تا آنوقت این مبارزه ادامه دارد، باید مبارزه را ادامه داد تا همه از زندانها آزاد شوند، همه وثیقه ها باید لغو شوند و مسببین این فاجعه، مسببین این جنایت رسما و علنا معرفی شوند و به دادگاه سپرده شوند، این پرده دوم قتلهای زنجیره ای است.

**پرتو:** بحثهای زیادی هست در محافل مختلف در مورد اعترافاتی که می گویند از بخشی از دانشجویانی که دستگیر شده اند گرفتند، بخشی هم رژیم اینجا و آنجا تبلیغش می کند. می خواهند کاری بکنند که یک فشاری روی سر این دانشجویان باشد که تکان نخورند، تهدیدشان می کنند که اینها را پخش و علنی می کنند. یا اگر فیلم باشد نشان می دهند، این چقدر میتواند فاکتوری باشد که خود این دانشجویانی که آزاد شده اند را انیت کند و گویا که اینها چیزی پیش رژیم دارند که اگر تکان بخورند اینها را علنی می کنند و گویا آبروی کسی می رود!؟

**کوروش مدرسی:** ببینید اگر آدمی را کتک بزنید، اجسام سخت در گوشش فرو کنید تا حدی که گوشش را کر کنید، انواع بطری و باتوم و به آنها استعمال کنید، به آنها تجاوز کنید و برق به آنها وصل کنید و بعد از همه این کارها بیاورید تلویزیون که بگویند ما اشتباه کردیم، این سند محکومیت آدم نیست. این سند جنایت رژیم است. اگر یک چنین فیلم هایی را در تلویزیون نشان دهند نه تنها هیچکس در دنیا این دانشجویان را مقصر نخواهد دانست، بلکه به صورت جمهوری اسلامی و خامنه ای و خاتمی و احمدی نژاد تف خواهد انداخت. اینها جنایتکاران تاریخند و این سند جنایتشان است. به نظر من این دانشجویان نباید از هیچ چیزی بترسند، جمهوری اسلامی اگر چنین فیلم هایی را

کریمی زاده گذاشته اند، را داشته باشید بگذارید و بهروز کریمی زاده را از زندان آزاد کنید. به هر حال، جمهوری اسلامی عقب نشسته ولی نه کاملا، هنوز دادگاه در پیش است، دادگاههایی که می تواند به زندانهای طولانی مدت برای دستگیر شدگان بینجامد. البته برای تعدادی هنوز حتی وثیقه نگذاشته اند یا اگر هم وثیقه ای تعیین کرده اند که خانواده شان امکان تامین آنها ندارند مثل بهروز کریمی زاده، امین قضایی یا پیمان پیران یا کسانی هستند که اصلا برایشان وثیقه تعیین نکرده اند مثل علی کانتوری، فرهاد حاجی میرزایی، اینها گرچه دانشجوی نیستند اما در رابطه با این مسائل دستگیر شده اند. اینها کارگران فصلی بودند و ظاهرا رژیم می خواهد اگر زورش به دانشجویان نمی رسد خشمش را سر اینها بریزد و از این طریق زهر چشم بگیرد.

همه اینها نشان می دهد که مبارزه هنوز بشدت در جریان است خود دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب فراخوان کمک مالی داده اند، باید با شتاب رفت به کمکشان، بنظر من وظیفه هر آدم شرافتمندی و هر آدم انقلابی است که به کمک آنها برود، به کمک خانواده ها برود. بهترین فرزندان این جامعه را باید از حلقوم این رژیم بیرون بکشند و رژیم را مجبور کرد که این وثیقه ها را کلا حذف کند. کل پرونده علیه آنها پاپوش دوزی است. باید وثیقه ها پس گرفته شود، باید مسئولین این کار معرفی شوند و معلوم شود که بازجو ها چه کسانی هستند.

از جانب حزب حکمتیست فراخوان می دهم هر کس هر نوع اطلاعاتی از افراد دست اندر کار وزارت اطلاعات دارد، هر مشخصاتی دارند را برای ما بفرستند. ما بزودی یک جدولی درست می کنیم و اطلاعات همه اینها را جمع میکنیم و به تدریج اعلام می کنیم. اینها را اعلام میکنیم تا مردم هر محل شکنجه گر محله شان را بشناسند. بگذارید بچه های شان بدانند پدر و مادرشان چکاره است و چه شغل "شریفی" دارند، چه کارهایی می کنند، چه

جریانهای شبیه تحکیم وحدت و غیره، میدان برای یک نیروی دیگر باز شد. نیروی دیگری وارد میدان شد که آن توهمات و آن آلودگی های فکری و جنبشی را نداشت. جمهوری اسلامی به شدت از این نیرو ترسید و تصمیم گرفت آنها بزند و زد. ابعاد دستگیری ها و حمله ای که به دانشجویان چپ شد از سالهای ۶۰ سابقه نداشته. جمهوری اسلامی فکر می کرد هزیمت شروع می شود و "ماجرا"ی چپ تمام می شود. اما عکس العملی که دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و همینطور جریانات چپ از خود نشان دادند و طی آن خودشان را جمع کردند، اعتراضاتی که مجددا سازمان پیدا کرد، جان سختی که بخصوص دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، که زیر ضرب بودند، از خودشان نشان دادند، اینکه سازمان شان را حفظ کردند، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب مخفی نشد، نه تنها مخفی نشد بلکه علنا بخشهای جدیدی به آن اضافه شد، حالت تعرضی و پرخاشی که کمابیش در همه دانشگاهها نسبت به رژیم شکل گرفت و به اضافه فعالیت وسیعی که در خارج کشور و کل اپوزیسیون در دفاع از دانشجویان کردند، هنرمندانی که برای اولین بار در تاریخ ایران لیست ایرج جنتی عطانی را در حمایت از دانشجویان امضا کردند، و غیره جمهوری اسلامی را بایک مشکل روبرو کرد. ادامه تعرض با همان شکل سابق برای جمهوری اسلامی وضع را بدتر می کرد و تندتر رفتن باز هم برایش سخت تر بود. این بود که مجبور شدند عقب نشینی کنند. مجبور شد به تدریج، با وثیقه های سنگین، دانشجویان را آزاد کند. این یک درجه ای از عقب نشینی جمهوری اسلامی است اما در عین حال این تعرض به کم درآمد ترین بخش دانشجویان است که امکان تامین چنین وثیقه ای را ندارند. همه وثیقه ها باید فوراً لغو شوند. شاید اگر خانواده آقای رفسنجانی یا خانواده آقای احمدی نژاد باشند مبلغ سیصد میلیون، وثیقه ای که برای بهروز

## تحریم سوم ایران: اهرمی برای تعرض به مردم

رحمان حسین زاده

سرانجام با قلدری آمریکا و همراهی دیگر قدرتهای بزرگ جهانی و پیچاندن دست اعضای نهاد بی اراده و فاسد شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه جدید تحریم اقتصادی علیه ایران، موسوم به قطعنامه سوم تصویب شد. این قطعنامه نشانه روند جدیدی در برزخ بحران هسته ای و در مناسبات جمهوری اسلامی و غرب نیست. بحران ایجاد شده موجود را تعیین تکلیف نمیکند، برتری طرفی را بر طرف مقابل نشان نمیدهد. در بطن استیصال آمریکا در این ماجرا و در سطح منطقه صدور این قطعنامه یک اهرم فشاری در دست قدرتهای بزرگ جهانی برای ادامه بازی دیپلماتیک و چانه زنی به منظور به سازش کشاندن جمهوری اسلامی است. همزمان با صدور این قطعنامه، اعلام آمادگی اتحادیه اروپا برای ادامه مذاکره با ایران و ارائه چریتر "مشوقهای" اقتصادی به ایران، هدف نه چندان پوشیده صدور قطعنامه جدید را برملا میکند. از زاویه منافع جامعه و تهدیداتی

که متوجه مردم ایران است، این قطعنامه حاوی دو مسئله خطرناک است و باید بر آن مکتب کرد.

### امکان ماجراجویی نظامی

در قطعنامه جدید اجازه بازدید از کشتی ها و محموله های صادراتی و وارداتی ایران که به گفته قطعنامه مشکوک تلقی شود، صادر شده است. این مسئله مجوزی است در دست آمریکا که هر مورد لازم را کنترل و بازرسی کند. این مورد میتواند شرایط و شروع ماجراجویی نظامی را از دوطرف فراهم کند. میتواند وقوع جنگ محدود و یا گسترده، جنگ موردی و ادامه دارتر را فراهم کند. میتواند جنگ را شعله ور سازد. این خطر بزرگی است که جامعه و مردم ایران را تهدید میکند. وقوع یک جنگ چه محدود و یا گسترده، پیامدهای بسیار زیانباری برای روند زندگی و معیشت و امنیت مردم و برای روند تحولات سیاسی به نفع صف مردم و آزادیخواهی در جامعه ایران خواهد داشت. بر خلاف امیدهای پوج بخشی از ناسیونالیستهای ایرانی و همه قومپرستان و نیروهای سیاه جامعه ایران، چنین اتفاقی جامعه ایران را به عقب میراند و چیزی جز تباهی و سیاهی مشابه عراق را بیار نمی آورد. این خطر را باید جدی گرفت و صف کارگر و مردم و انسان

آزادیخواه این جامعه را با آمادگی و هوشیاری در مقابل آن قرار داد.

### تعرض به مردم

خطر موجود دیگر تشدید تعرض جمهوری اسلامی به مردم است. صدور هر قطعنامه صرفنظر از مفاد آن و اینکه مستقیماً چه نهادها و مقامات جمهوری اسلامی را مورد اشاره قرار داده است، بهانه ای بوده در دست رژیم برای تعرض به زندگی و معیشت و امنیت مردم. ابزاری بوده تا به بهانه "دفاع از امنیت ملی و کشور اسلامی" فضای خرافه ملی و اسلامی را تشدید کنند. ناسیونالیسم را باد بزنند. تحمیق ایجاد کنند. لشکر سیاه "دفاع از کشور" را بسیج کنند و فضای مسموم ملی اسلامی را تحمیل کنند. ریاضت کشی اقتصادی را جاری سازند. به سفره خالی کارگر و بخش اعظم مردم فقیر تعرض کنند. اگر جریاناتی به دلیل منافعشان و یا مصلحت گرایی و یا از سر کورنی سیاسی و سطحی نگری اعمال تحریم را توجیه میکنند و مردم را "به تحقیق و تبحص" اثبات اینکه این تحریم علیه نهادها و مقامات نظامی جمهوری اسلامی است؟! حواله میدهند، قبل از هر چیز ضدیت با مردم و یا در مناسبترین حالت، بی ربطی و بیگانگی خود را با منافع مردم و جامعه ایران نشان میدهند. اینها یا خود در اعمال

فشار بر کرده کارگر و مردم جامعه ایران شریکند و یا مکانیسم و کارکرد اعمال فشار و سرکوبگریهای جمهوری اسلامی را بر جامعه و مردم نمی شناسند. واضح است دود تحریمهای کشورهای غربی و در این مورد هم مستقیماً به چشم مردم ایران فرو میرود. اهرمی به دست جمهوری اسلامی میدهد که در ابعاد معیشتی، اقتصادی و سیاسی به مردم تعرض کند و جامعه را در تنگنا قرار دهد. اهرمی به رژیم اسلامی میدهد که اتفاقاً برای بقاء خود در مقابل مردم به آن متکی شود. لذا مردم ایران و صف انسانیت و آزادیخواه جامعه را باید علیه این تحریمها و اقدامات ضد انسانی شوراند.

در نتیجه این قطعنامه از نظر مردم آگاه ایران باید محکوم شود. جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران راه خود را باز کرده است. جنبش متکی به اراده مردم، با محکومیت تحریم و جنگ آمریکا و کشورهای غربی و با برافراشتن پرچم آزادی و برابری و با عزم و اراده سرنگونی جمهوری اسلامی مسیر امید وار کننده آینده سیاسی ایران رامی سازد. این جنبش و صف انسانیت در جامعه ایران را باید تقویت کرد.

## تلخیصی از گزارش تشکیلات خارج حزب حکمتیست از مراسمهای ۶ مارس

روز پنجشنبه ۶ مارس به فراخوان فدراسیون جهانی حمل و نقل همراه با کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری و همکارانشان در فدراسیون اتحادیه های جهانی، میلیونها انسان در شهرهای بزرگ جهان از به بند کشیدن فعالین کارگری در ایران و بی حقوقی مطلق و بربریتی که به طبقه کارگر ایران از جانب جمهوری اسلامی تحمیل شده است، آگاه شدند.

از سیدنی تا تورنتو و از توکیو تا لندن و اسلو و کازابلانکا و استکهلم و گوتنبرگ و کپنهاگ، ولینگتون، سئول، بانگکوک، جاکارتا، دهلی، استانبول، بصره، عمان، کرانه باختری، تونس، ژنو و بروکسل بمیدان آمدند و از طرق مختلف از تجمع در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای جمهوری اسلامی تا تجمع در میدانی شهرها و توزیع دهها هزار نسخه اطلاعیه به بی حقوقی کارگران ایران و سایر ایرانیان آزادیخواه در این اعتراضات فعالانه شرکت کرده اند.

در لندن بالغ بر ۱۵۰ نفر از اتحادیه های گوناگون بریتانیا فدراسیون جهانی حمل و نقل تا کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا و یونیسون که میلیونها عضو بخشهای مختلف کارگران و کارمندان این کشور را نمایندگی میکنند همراه با اعضای احزاب و سازمانهای مختلف اپوزیسیون ایرانی حضور داشتند. در این تظاهرات ابتدا بهزاد جواهری عضو کمیته بریتانیا حزب حکمتیست ضمن خوش آمد به شرکت کنندگان اهمیت و جایگاه این روز بین المللی را توضیح داد و به احکام وحشیانه شلاق زدن به کارگران و اجرای این حکم در مورد آنان اشاره نمود و در ادامه به دستگیری فعالین دانشجویی بعنوان متحدین جنبش کارگری اشاره نمود. بهزاد جواهری از کلیه سازمانها و نهادهای حاضر در تظاهرات دعوت نمود تا سخنان خود را ایراد نمایند. که در ادامه نمایندگان سازمانهای کارگری بریتانیا از جمله رئیس بخش بریتانیا فدراسیون جهانی حمل و نقل، نماینده اتحادیه یونیسون، نماینده عفو بین الملل، جمال کمانگر مسئول تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست، محمد فتاحی از تلویزیون پرتو و عضو کمیته مرکزی حزب حکمتیست، بهرام سروش از حزب کمونیست کارگری ایران و نماینده یکی از اتحادیه های کارگری کلمبیا همبستگی خود را با اساتلو و صالحی اعلام نمودند.

در استکهلم تظاهراتی در میدان مرکزی این شهر با حضور جمعی از مردم آزادیخواه برپا شد و پلاکارتهایی در محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر در بند نگاه داشتن فعالین کارگری و دانشجویی حمل می نمودند. در این تظاهرات رحمان حسین زاده عضو کمیته رهبری حزب طی سخنانی جمهوری اسلامی را بخاطر اقدامات ضد کارگری اش محکوم و گفت که تا آزادی کلیه کارگران و دانشجویان از هیچ اقدامی دریغ نخواهند کرد.

در گوتنبرگ نیز جمعی از فعالین حزب حکمتیست همراه با سخنگوی بیمرز در مقابل دفتر "آل او" (اتحادیه سراسری کارگران سوئد) با در دست



## دیدار هفته با کورش مدرسی

کارگری را می برد زندان و بعد از مدتی بیرون می آید و کارش را ادامه میدهد.

می خواهم بگویم این زندان رفتن هر رفیق، بسته به نقشی که خودش بخواد بازی کند، اعتبار سیاسی او را بالا می برد. امروز هر کسی را که جمهوری اسلامی می گیرد برایش اعتباری است. من فکر می کنم که جمهوری اسلامی این دفعه کور خوانده! به جایی حمله کرد که نقطه ضعفش است، جنبشی را مورد حمله قرار داد که نقطه ضعف جمهوری اسلامی را می شناخته و کور این رژیم را می کند.

**پرتو:** اجازه بدهید که برویم سراغ بحث دیگری که در مورد همین دانشجویان و جنبش دانشجویی است. از بدو شکل گیری گرایش چپ و بطور کلی بخش چپ در جنبش دانشجویی اگر بشود جنبش یا هر چیزی که به آن بگوئیم، بخشهای مختلفی آمده اند در کنار دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب، چهپای دیگری با عنوان دانشجویان چپ یا عنوان انقلابی، چپ سوسیالیست، چپ آنارکو مارکسیست، چپ آنارکو کمونیست اینها عناوین گروهای مختلفی اند که بخشا سایت هایشان هست در اینترنت و بلاگشان هست و این که حد اقل بخشهایی از اینها بودند. روزهای گذشته با همین عناوین آنارکو مارکسیست، دانشجویان سوسیالیست و یا دانشجویان انقلابی به عنوان گروههای مختلف، چرا اینطور است شما ارزیابی تان چی هست؟ در مورد اینها چه فکر می کنید؟

**کورش مدرسی:** به عنوان یک کمونیست، احساس خوشحالی میکنم وقتی یک نفر در این جامعه به خودش می گوید چپ، یک نفر به خودش می گوید کمونیست، یک نفر به خودش می گوید مارکسیست، یک نفر به خودش می گوی

کمونیست کارگری یا بخودش می گوید چپ کارگری. همه اینها باعث دلگرمی است. علامت آن است که چپ و چپ بودن در آن

جامعه رفتن به سمت ایده های برابری طلبانه طبقه کارگر زمینه بیشتری پیدا کرده است. نشان میدهد که چپ راه باز کرده و با اقبال روبرو شده است. از نظر من این پژواک صدای طبقه کارگری است که دارد از آن جامعه برمیخیزد.

این یک جنبه قضیه است. اما جنبه دیگر قضیه این است که این جریان های سیاسی و حزبی را با دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب مقایسه کنید. این اشتباه است. این مقایسه، مقایسه مع الفارق است؛ مقایسه سیب و پرتقال است.

اینها دو موجود مختلف هستند. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب یک سازمانی علنی، توده ای، بشدت فدرال، بدون یک مرکزیت خیلی سفت و سخت است که مجبورند که در یک تناسب قوای معین کار علنی انجام دهد. مثل اتحادیه شرکت واحد یا مثال شورای کارگران فلان کارخانه یا محله. اینها باید در یک تناسب قوایی مبارزه کنند و بتوانند بیشترین نیرو را برای پرچم عمومی آزادیخواهی و برابری طلبی جمع کنند و مبارزه شان را پیش ببرند.

در جامعه ایران نمی شود سازمان مارکسیستی علنی درست کرد، در نتیجه کسی که به خودش می گوید مارکسیست، بخودش می گوید چپ کارگری، کسی که به خودش می گوید سوسیالیست، کسی که به خودش می گوید آنارکو سنیکیالیست یا آنارکو مارکسیست، دارد نه یک سازمان توده ای علنی بلکه یک حزب درست می کند. گروه سیاسی درست می کند. و البته این کار خوبی است. ما هم رفته رفته ایم حزب درست کرده ایم، یک جریان مارکسیستی درست کردیم که کارش این است که فعالیت کمونیستی می کند.

اما فعالیت کمونیستی فعالیت در محیط دانشجویی نیست یا سازمان کمونیستی سازمان دانشجویی نیست. حرکتی است برای تصرف قدرت سیاسی، فعالیتی است برای سازمان دادن یک انقلاب، این دیگر نه کار سازمان دانشجویی بلکه کار یک حزب سیاسی است. در نتیجه، راه انداختن دانشجویان

کمونیست، یا سوسیالیست، یا چپ کارگری و غیره در واقع راه انداختن یک گروه و یا سازمان سیاسی و یا شاخه دانشجویی چنین جریاناتی است. اینها در واقع دارند گروه سیاسی درست میکنند، رفته رفته گروههای کمونیستی، سوسیالیستی، آنارکو مارکسیست یا آنارشیتنت یا هرچه اسمش را گذاشتند درست میکنند. در شرایط امروز ایران این کار را نمیشود علنی انجام داد. دیگر به قول معروف شتر سواری دولا دولا نمی شود، شما نمی توانید از یک طرف یک سازمان مارکسیستی باشید ولی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی علنی باشید! و از طرف دیگر بروید خودتان را با یک سازمان علنی طرف حساب بکنید که محذورات خودش را دارد. شما نمیتوانید چنین سازمان علنی را با مسائلی روبروی کنید که حتی حرف زدن در موردش برایش هزینه دارد.

مثال میزنم، فرض کنید شما به عنوان یک آنارکو مارکسیست می توانید وارد بحث نقد مثلا کمونیسم کارگری یا خط حزب حکمتیست شوید. حق دارید، خیلی هم خوب است، ما از آن استقبال میکنیم. و ما به عنوان حزب حکمتیست می توانیم جواب شما را بدهیم و وارد بحث شویم. ولی دانشجوی آزادیخواه و برابری طلب که نمی تواند وارد این بحث شود! اگر این کار را بکند چوب در آستینش می کنند.

اتفاق فریبنده این است که در چنین بحثی با دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب شما میتوانید ادعا کنید که "چپ تر" هستید. اما در واقع شما را باید با احزاب کمونیست مثل ما مقایسه کرد، آنوقت تماما راست از کار در می آید. چون اگر مثل ما حرف بزنید دستگاه اطلاعات رژیم ده ثانیه به شما مجال نمیدهد که علنی زنده بمانید. برایتان هزینه خواهد داشت. در نتیجه می بینید که بنظر می آید این دانشجویان مثلا سوسیالیست یا دانشجویان آنارکو مارکسیست یا مارکسیست آنارشیتنت، در مقابل دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب چپ هستند، ولی در واقع مستقل از

اینکه خودشان بخواهند یا نه راست هستند. مجبور می شوند راست باشند. من کاری به انگیزه شان ندارم، اینها همه انسانهای خوبی هستند که دارند فعالیت می کنند، ولی در واقع باید آنها را با احزاب سیاسی مقایسه کنید، اگر ایشان چپ کارگری است می گویم چرا شما به خودتان نمی گوئید کمونیست کارگری، چرا به خودتان نمی گوئید کمونیست و ایستاده اید در جمهوری اسلامی و فعالیت می کنید آن وقت یک بیانی از کمونیسم را در پیش بگیرید که برای جمهوری اسلامی قابل تحمل است. و این سم است. چون مجبور میشوید که به یک کمونیسم بی پراتیک، اینترنتی که در دنیا رگه خیلی هم شناخته شده ای است، تبدیل شوید. رژیم های بورژوائی آگاهانه مجال می دهند یک کمونیسم قانونی و یک مارکسیسم علنی شکل بگیرد که مشخصه اش این است فقط در عرصه نظر است، حرف میزند، در دنیای زمینی وجود ندارد، نه مجبور است کسی را متحد کند و نه چیزی را تغییر میدهد و نه انقلابی را روی زمین سازمان میدهد. اجازه می دهند هر کتابی را بخوانید، در اینترنت هر بحثی بکنید و هر چیزی را نقدی بکنید مادام که پایتان را در صحنه پراتیک نگذارید!

خلاصه از اینکه دانشجویان دارند به چپ می چرخند باید استقبال کرد. اما باید حواس شان جمع کنند که به دام ایجاد سازمانهای مارکسیستی علنی که بشدت راست هستند نیفتند. راست هستند چون مجبور می شوند پراتیک انقلابی را کنار بگذارند. شما سازمان علنی باشید، معلوم است وب سلیت هم به اسم خودتان است، مگر میشود گفت مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد سوسیالیسم؟ شما را می گیرند مگر اینکه هیچ کاری نکنید و این زنده باد سوسیالیسم تان از درخانه و از

میکروفون پالتاک تان آن طرف تر نرود. اگر هم بردی داشته باشد این یک دهم آن چیزی است که شعار آزادی - برابری چند صد نفر در

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

طلب با یک حزب سیاسی، تحت هر اسمی، آنرا به یک سازمان غیر مجاز تبدیل میکنید که تعطیل می شود یا این سازمان را به یک حزب علنی کمونیستی بی خاصیت تبدیل میکند، حزبی که آنرا نمی بندند اما یک حزب کمونیستی علنی راست است. علامت راست بودنش هم این بی پراتیک بودن آن است. کاری نمی کند، منشاء هیچ اثری نیست. منظورم از کار انقلاب و پراتیک انقلابی است وگرنه ممکن است به فقرا کمک کند و برای کارگران نفر پول جمع کند. این کارها هر آدم نیکوکار اجتماعی می کند، ربطی به کمونیسم و مارکسیسم ندارد. کمونیسم و مارکسیسم یعنی تلاش برای سرنگونی بورژوازی برای سازمان دادن انقلاب سوسیالیستی. در جامعه ایران نمی شود اینکار را علنی و قانونی انجام داد. می خواهم بگویم که این اختلاف و این التقاط باعث می شود که کمونیستهایی که می خواهند مبارزه کمونیستی را سازمان بدهند ضربه بخورند چون میروند خودشان را قاطی یک سازمان علنی می کنند یا آن سازمان علنی غیر حزبی ضربه می خورد و مبارزه اش متفرق می شود. مبارزه امر اجتماعی است و باید بشود اجتماعا سازمانش داد. و این التقاط از یک طرف یک التقاط قدیمی در جنبش کمونیستی، از یک طرف دیگر یک دام بزرگ است که رژیم های بورژوازی همیشه جلوی کمونیستها میگذارند. دام مارکسیسم قانونی، مجاز، غیر پراتیک که تأثیری در دنیای اطرافش ندارد فقط می نشیند مقاله، کتاب، اینترنت و اینها را می نویسد و هیچ پراتیک انقلابی ندارد، خیرات می کند، مثل صندوق قرض الحسنه، نوع چپ راه می اندازد. باید هوشیار باشیم و حواسمان به این جنبه ها باشد.

را به سمت سیاست هایی خودش سوق دهد. همه این کار را می کند و این منوط در مورد دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب هم صادق است. آنها پلاتفرمشان عمومی است و چیزی که اعلام کردند و بنظر من هم منطقی است. درست مثل سندیکای شرکت واحد که میگوید کارگر شرکت واحد بیاید داخل این سندیکا. البته دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب کمی خط دارتر از آن است: دانشجویی که آزادیخواه و برابری طلب است، اسلامی ها را قبول ندارد، لیبرالها را قبول ندارد، ناسیونالیست نیست، علیه جنگ ایستاده و غیره. اینها می آیند با هم جمع بشوند تا اوضاع را عوض کنند، اجتماعی که درست می کنند، این سازمانها مجمع اعلام مواضع نیست سازمان مبارزه است. اجتماع مبارزه است. مثل اینکه مثلا فرض کنید الان در تظاهراتی که در شیراز هست یکی برود و بگوید من شعارم زنده باد سوسیالیست است، این شعار خیلی خوبی است اما کار همه را خراب می کند، همه را به هم می ریزد، این جمعیت زیر این پرچم عمومی جمع شدند. می خواهم بگویم که دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، کارگران شرکت نفت یا کارگران و سندیکا یا اتحادیه شرکت واحد، اینها تشکل های غیر حزبی اند، سازمانهای حزبی نمی توانند الگوهای فعالیت خود را به آنها تعمیم دهند. بخصوص اگر علنی باشند که اینها علنی هستند. ما در این سازمانها سعی می کنیم آنرا به آن سمتی که خودمان درست می دانیم بچرخانیم، سعی می کنیم برای خودمان عضو بگیریم. همه احزاب این کار را می کنند. گروهها و احزاب دیگر هم قاعدتا همین کار را می کنند و هیچکس هم نباید مانع شان شود. اما قاطی کردن این دو نوع سازمان یا پدیده و قاطی کردن دانشجویان آزادیخواه و برابری

شناخته شده و شبکه هایشان را جمع می کنند، اینها دارند اجتماع درست می کنند و سازمان می دهند. پرتو: شما به مشکلی اشاره کردید که وقتی گروههایی کمونیستی هستند و به اسم گروههای کمونیستی فعالیت می کنند، مشکل شان این است که یا ناچارند در عمل راست بزنند و یا اینکه اینترنتی بمانند. این مشکل اینهاست، مشکل دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب چطور حل می شود؟ خود دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب اعلام کردند که هر گروهی و هر چند با هر عقایدی و اهداف و با هر خط و خطوطی که دارند می توانند به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب بپیوندند و با آنها فعالیت کنند؟

**گوروش مدرسی:** ببینید، سازمانهایی هستند که سازمانهای غیر حزبی و سازمانهایی علنی هستند. مثل سندیکاها و یا مثل فرض کنید مجمع عمومی کارگران فلان بخش ذوب آهن، یا دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب. اینها سازمانهای غیر حزبی اند و علنی هستند و یک پلاتفرم عمومی دارند. پلاتفرم دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب معلوم است که پلاتفرم چپ است، یک سازمان چپ است، شعار آزادیخواهانه و برابری طلبانه، در چارچوب مقدرات عمل چنین سازمانی را میدهد. زمانیکه این سازمانها، مثلا سندیکای شرکت واحد، سندیکا یا شورای کارگران نفت یا غیره درست شوند، احزاب سیاسی در آنها شروع به فعالیت می کنند و این طبیعی ترین کار است که در همه جای دنیا هست. در این سازمانها ممکن است از اسلامی و ناسیونالیست تا چپ و کمونیست شروع به فعالیت متشکل کنند، هر کس شبکه خودش را درست کند و هر کس سعی کند که آن سازمان

دانشگاه تهران را جمع میکند و محیط کلی دانشگاه را پلاریزه میکند. وقتی کارگران اول ماه می را می گیرند شلاق می زنند، آن کمونیستی که نشست تنها پشت اینترنت حرف می زند کمونیسم قانونی است. خاصیتش در غیر پراتیکی بودن و در غیر انقلابی بودنش است!

بنظر من این چاله ای است که جمهوری اسلامی آگاهانه جلوی مارکسیسم ایران، جلوی چپ تازه به میدان آمده ایران باز کرده و آنمهای مارکسیست آن جامعه بخصوص، کمونیستهای آن جامعه باید دقت کنند که اگر می خواهند سازمان کمونیستی درست کنند این ربطی به دانشجویان آزادیخواه و سندیکای شرکت واحد و این تشکلهای علنی ندارد. اختلاط این دو هم کار خودشان را خراب می کنند هم کار آنها را، هم خودشان را به گرفتن می دهند هم آنها را. تمام تلاش جمهوری اسلامی این است که این تشکل های علنی را زیر زمینی کند. خوب اینها اگر فعال باشند به این پروسه کمک می کنند و اگر نباشند مثل خیلی ها به یک موجودات بی خاصیت درازگو تقلیل پیدا میکنند. فقط به این و آن گیر می دهند. بطور علنی با آدم ها و سازمان های علنی وارد بحثهایی می شوند که برایشان "هزینه دارد". باید ب حواسمان باشد و مواظب باشیم. هر کسی عقیده کمونیستی دارد راهش این است که برود حزب کمونیستی یا گروه کمونیستی درست کند. باید از بحث بین گروههای کمونیستی استقبال کرد. اما یک گروه کمونیستی یا یک محفل کمونیستی که درست شده برای سازمان دادن انقلاب سوسیالیستی نمی تواند برود خودش را با سندیکای شرکت واحد یا با دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در بیندازد. رهبر هایشان را می گیرند، آنمهای

### تلخیصی از گزارش

گرفتن پلاکارتهایی تجمع اعتراضی خود را آغاز و دو تن از رفقا با مسئول این سازمان به گفتگو نشستند و از ایشان خواستند تا طی نامه ای به جمهوری اسلامی اعتراض کند و خواهان آزادی فعالین کارگری بشوند. مسئول "آی ال او" متعهد به انجام اینکار شد و نسخه ای از اعتراض نامه خود را در اختیار حزب حکمتیست قرار بدهد.

در نوروز نیز به فراخوان اتحادیه های کارگری این کشور و عفو بین الملل تظاهرات بزرگی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اسلو سازمان داده شد که فعالین حزب و سایر ایرانیان آزادیخواه در آن شرکت کردند و ملکه عزتی عضو کمیته مرکزی حزب سخنانی را برای حاضرین ایراد نمود. در محل تظاهرات اخبار این تجمعات از جانب فعالین حزبی به رسانه های بین المللی مخابره شد. از جمله از لندن جمال کمانگر با رادیو اسرائیل و رادیو فارسی آلمان و حسام منتظری نیز با رادیو آلمان و اسرائیل و غیره مخابره شد. گزارشگر رادیو بی بی سی بخش فارسی با چند تن از ایرانیان از جمله فعالین حزب حکمتیست مصاحبه های کوتاهی بعمل آورد و تلویزیون و سایر رسانه ها اخبار این حرکت بزرگ را در سطح سراسری پوشش منعکس نمودند. در تورنتو کانادا نیز این اعتراض در دستور فعالین کارگری و حزب ما قرار دارد که متعاقبا گزارش آن به اطلاع عموم خواهد رسید.

## بخشی از اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

## دهها هزار نفر در سراسر جهان صدمین سالگرد روز جهانی زن را در اشکال مختلف گرامی داشتند!

روز ۸ مارس روز جهانی زن جهان علیه تبعیض نسبت به زنان به صدا درآمد، خیابانهای شهرهای عمده جهان شاهد تظاهراتهای وسیع که انزجار خود را نسبت به بی حقوقی زنان، کشتار زنان و آپارتاید جنسی از کشورهای اسلام زده تا قلب اروپا به میدان آمدند. امسال در ۸ مارس زنان و مردان برای طلب از بغداد تا اسلام آباد و افغانستان و ایران از لندن و اسلو و گوتنبرگ و هوکایدوی ژاپن و کره شمالی، از استرالیا و اندونزی تا هند و چین و فیلیپین و تاجیکستان و غیره به میدان آمدند و هر کدام بخشی از درد و رنج و محرومیت و بی حقوقی دهشتناک حاکم بر زنان را از جوامع اسلام زده و به اصطلاح جهان سوم تا دنیای متمدن و صنعتی غرب بیان کردند و اعتراض و خشم و نفرت خود را از تبعیض و نابرابری بیان کردند و خواهان رفع سمکشی بر زنان شدند. در هاید پارک لندن تظاهراتی شروع و با راهپیمایی بسمت میدان مرکزی ترافالگار لندن ادامه پیدا کرد. در این تظاهرات هزاران زن شرکت داشتند که حضور مردان را ممنوع کرده بودند.

فعالین حزب حکمتیست در تعدادی از کشورهای اروپایی با حضور در راهپیمایی ها و تجمعاتی که در اسلو، گوتنبرگ، استکهلم، لندن و هامبورگ سازمان داده شده بود، وسیعا شرکت و با در دست گرفتن پلاکارتهایی علیه آپارتاید جنسی در ایران و دفاع از دانشجویان دربند و توزیع اطلاعیه های حزب در میان مردم هزاران نفر را از آپارتاید جنسی حاکم بر ایران مطلع نمودند. در میدان سرگل استکهلم کادرهای حزب حکمتیست در اجتماع بزرگی که سازمان داده بودند برای مردم به سخنرانی پرداختند و شعارهایی در دفاع از جنبش برابری طلبانه زنان سر دادند و جمعی از مدافعین حقوق زنان سخنرانی کردند، ثریا شهابی در یکی از تجمعاتی که از جانب بخش زنان سازمان "اتحاد برای آزادی کارگران" در لندن بمنظور گرامی داشت روز جهانی زن و جمع آوری کمک مالی برای دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، سازمان داده شده بود، سخنرانی کرد. تشکیلات فنلاند حزب بسمت سفارت جمهوری اسلامی راهپیمایی براه انداخته و در مقابل این سفارتخانه شعارهایی علیه رژیم آپارتاید جنسی در ایران، در دفاع از حقوق زنان و در حمایت از دانشجویان زندانی و فرهاد حاج میرزایی سر داده و در ادامه رضا کمانگر مسئول تشکیلات حزب در این کشور، خالد صالح مسئول تشکیلات فنلاند حزب کمونیست کارگری عراق و همچنین آلا فرج از چهره های مدافع حقوق زنان عراق سخنرانی کردند. تشکیلات گوتنبرگ حزب همراه با سازمان رهایی زن و سازمان آزادی زن عراق ضمن شرکت در راهپیمایی باشکوه در مرکز این شهر جشنی را به مناسبت صدمین سالگرد روز جهانی زن سازمان دادند که جمعیت قابل ملاحظه ای در آن شرکت کردند و تا پاسی از شب را فضای شاد و دوستانه با هم سپری کردند.

در شهر اسلو پایتخت نروژ نیز راهپیمایی باشکوهی با تجمع در میدان کارگر این شهر و با سخنرانی برگزار کنندگان شروع شد و بعد بسمت پارلمان این کشور در مرکز اسلو شروع به راهپیمایی کردند و با برگشتن به میدان کارگر خاتمه یافت. جمعیت زیادی در این تظاهرات شرکت داشتند. در هامبورگ نیز فعالین حزب با برگزاری میز کتاب اطلاعیه های مربوط به ۸ مارس را در میان مردم توزیع و با مردم در مورد رژیم آپارتاید جنسی در ایران و وضعیت دانشجویان زندانی با عابرین این مرکز پر تردد صحبت میکردند.

زنده باد ۸ مارس

زنده باد جامعه های عاری از تبعیض جنسی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۹ مارس ۲۰۰۸

## از فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب حمایت میکنیم

جمهور اسلامی زیر فشار اعتراضات وسیع دانشجویان و مردم مبارز در شهرهای مختلف ایران و همزمان سیل وسیع اعتراضات در سراسر جهان، با تعیین قرار وثیقه های سنگین مبادرت به آزادی تعدادی از دانشجویان کرده است. و تعدادی نیز هنوز در زندان و در انتظار تامین قرار وثیقه خود هستند و تعدادی هم هنوز از سرنوشتشان خبری نیست. میزان وثیقه هایی که برای دانشجویان در نظر گرفته شده در تاریخ چند دهه گذشته جامعه ایران نمونه نداشته است. طبق اطلاعیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب میزان ۳۰۰ میلیون تومان قرار وثیقه برای آزادی بهروز کریمی زاده در نظر گرفته شده است. جمهوری اسلامی اعلام کرده است در صورت عدم تامین این میزان تا ۱۰ مارس (۲۰ اسفند) بهروز کریمی زاده را به بند زندانیان غیر سیاسی منتقل و در مقابل امنیت ایشان جوابگو نخواهند بود. دانشجویان آزادیخواه برای تامین این میزان و نجات جان یکی از رهبران جنبش دانشجویی، شماره حسابی را اعلام و در خواست حمایت کرده اند.

حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن هر نوع جرایم و قرار وثیقه برای دانشجویان زندانی، از فراخوان دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب حمایت میکند و همه مردم آزادیخواه، جریانات و احزاب و نهادهای انساندوست را به کمک و حمایت از آنان فرا میخواند.

درخواست وثیقه برای آزادی از زندان، زنجیری است که جمهوری اسلامی به گردن دانشجویان زندانی به جرم دفاع از آزادی و حقوق ابتدایی مردم ایران میکند. این اوج بربریت و اوج دشمنی جمهوری اسلامی با مردمی است که آزادی و رفاه و امنیت را حق خود میدانند. جمهوری اسلامی بعد از شکنجه و جنایاتی که در حق زندانیان کرده است، بعد از بستن قرار وثیقه های سنگین، تازه در زندانهای خود نیز مسئولیتی را در قبال زندانیان تقبل نمیکند و در کمال بی شرمی همین را بیان میکند.

محکوم کردن این اعمال جنایتکارانه و سیاست زد انسانی جمهوری و دفاع از دانشجویان زندانی، وظیفه هر انسان شریف و آزادیخواهی است. آزادی دانشجویان دستاورد تلاش مشترک ما مردم است. با اتحاد و تلاش مشترک باید آزادی کامل و بی قید و شرط تمام دانشجویان زندانی را تحمیل کرد. دفاع از دانشجویان زندانی و حمایت از فراخوان دانشجویان آزادیخواه وظیفه ابتدایی همگی ما است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۹ مارس ۲۰۰۸

## در مورد قرار حزب اتحاد کمونیسم کارگری و بحثهای حول آن

اخیرا کمیته مرکزی حزب اتحاد کمونیسم کارگری قرار را به تصویب کمیته مرکزی خود رسانده و هیات پنج نفره ای را موظف کرده که پروژه اتحاد "حزب اتحاد کمونیسم کارگری" با "حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست" را از لحاظ نظری، عملی و تشکیلاتی مورد بررسی قرار دهد و نتیجه را به اطلاع کمیته مرکزی این حزب برساند. متن قرار در نشریه حزب اتحاد به چاپ رسیده است.

بدنبال و در مورد این مسئله دوتن از اعضا رهبری این حزب، آذر ماجدی در نشریه دنیای بهتر و علی جوادی در پالئاک اظهار نظر کرده اند. این موضوع همچنین در دستاوران کمونیسم کارگری سوالاتی ایجاد کرده است. لازم میدانیم در این مورد توضیحاتی را به اطلاع برسانیم.

قبل از هر چیز لازم است تاکید کنیم که حزب حکمتیست از هر نزدیکی و همکاری و پیوستن کمونیستها به خود استقبال میکند. ما همیشه اعلام کرده ایم که حزب حکمتیست ظرف مبارزه همه کمونیستها و انسانهای انقلابی ای است که خود را به سیاستهای اعلام شده این حزب نزدیک و این حزب را ظرف مناسب پیشبرد امر خود برای رهایی و پیشبرد امر انقلاب کمونیستی میدانند. ما همه کمونیستها را به پیوستن به این حزب فرامیخوانیم و از هر نوع دیالوگ، بحث و جدل که به تحقق این امر و قویتر شدن کمونیسم کمک کند استقبال خواهیم کرد. لذا و از این سر ما تلاش رفقای حزب اتحاد را، خارج از هر معادله و ملاحظه ای، امر مثبتی میدانیم.

در رابطه با مسئله ای که از جانب حزب اتحاد مطرح شده است، نتیجه کار و تصمیم رفقای حزب اتحاد در مورد پروسه نزدیکی و با پیوستن به حزب حکمتیست چه خواهد بود، بحثی است مربوط به خود این رفقا. اما خارج از هر نتیجه ای که این رفقا به آن برسند از نظر حزب

حکمتیست نکات، مسائل سیاسی و پرنسیپهایی مطرح است که به هیچ عنوان قابل گذشت یا چشم پوشی نیستند.

\* در مورد مسئله "اتحاد جریانات کمونیسم کارگری" که حزب اتحاد از ابتدا به عنوان هدف و پروژه ای در دستور کار خود گذاشته است و در قرار اخیر و بحثهای حول آن هم مورد اشاره است، ما از ابتدا این پروژه را نقد کردیم. ما خود را با جریانات موسوم به کمونیسم کارگری از یک جنس و جنبش نمیدانیم. برای مثال اتحاد ما و حزب کمونیست کارگری ایران همان اندازه واقعی است که اتحاد ما و راه کارگر، اقلیت، اتحادیه کمونیستها و سایر جریانات چپ سنتی. ما بارها گفته ایم که ما به جنبشهای مختلف و سنتهای سیاسی مختلفی تعلق داریم. لذا ما بخشی از پروژه رفقا برای "اتحاد جنبش کمونیسم کارگری" نیستیم. ما قبلا نیز در سند رسمی خود تحت عنوان "ارزیابی ما از حزب "اتحاد کمونیسم کارگری" گفتیم که "فراخوان "اتحاد کمونیسم کارگری" دعوت به تسلیم کردن سنت سیاسی و تشکیلاتی متمایز حزب ما به مواضع ناسیونالیسم ملیتانت حزب کمونیست کارگری و یبارتی بیگر دعوت به عقب نشینی در مقابل چپ سنتی است".

\* ما پابندی به موازین و مقررات حزبی، پابندی و تعهد به موازین کار مشترک و اصول سازمانی را یک فاکتور مهم و حیاتی در فعالیت کمونیستی میدانیم. اصول تحزب کمونیستی، شفافیت سیاسی و تعدد نظرات در حزب ما اکنون سنتی جا افتاده است. حزب ما در تقابل با جریان اقلیت در رهبری حزب کمونیسم کارگری تشکیل شد که موازین تحزب کمونیستی را با دور زدن کمیته مرکزی و پلنوم رسمی آن و اعلام "کنگره" ای غیر مشروع و غیر قانونی و پناه بردن به شیوه های غیر حزبی و غیر سیاسی برای حل و فصل اختلافات زیر پا نهاد. به همین دلیل ما بر سر تحزب کمونیستی و فراهم کردن بیشترین امکان ابراز اختلافات سیاسی و در همان حال وحدت اراده و پابندی به موازین و پرنسیپهای

حزب به شدت حساس هستیم. از نظر ما روش های تشکیلاتی احزاب قبل از هر چیز انعکاس خط سیاسی آنهاست. هیچ منفعتی توجیه کننده زیر پا نهادن موازین کار مشترک و اصول رسمی و قانونی نمیتواند باشد.

\* نکته ای که در بحث رفقای حزب اتحاد تاکید میشود تغییرات در حزب حکمتیست است. از نظر ما این ادعا که حزب ما از کنگره دوم تغییراتی کرده است و گویا این تغییرات مایه نزدیکی حزب اتحاد به ما و امیدواری به اتحاد دو حزب شده است نه فقط واقعی نیست، بلکه وارونه کردن رابطه سیاست و پراتیک و واقعیت است که موقعیت امروز ما که باعث توجه همگان به این حزب، سیاستها، قدرت و قابلیت‌هایش شده است، دقیقا همین سیاستها است. تعجب آور است که ادعا میشود که در سیاستهای حزبی که در کنگره دوم آن مصوبات کنگره اول مجددا تصویب و مورد تاکید قرار میگیرد تغییراتی به چشم میخورد. همانطور که گفتیم تغییری که در حزب حکمتیست طی این چند سال اتفاق افتاده موقعیت اجتماعی آن است که حاصل پراتیک کردن سیاستهای رسمی ما بوده. این رفقا میتوانند بسیار روشن و سیاسی بگویند که با توجه به موقعیت کنونی این حزب مایل هستند به حزب حکمتیست بپیوندند. اما وارونه نشان دادن این واقعیت و دادن تصویری که گویا حزب حکمتیست به سیاستهایش نقد دارد و تغییراتی در آن داده و این اتحاد به شفاف کردن این سیاستها و تقویت جنبش کمونیسم کارگری کمک میکند نه صمیمانه است و نه بیان حقیقت.

ما پس از جدائی از حزب کمونیست کارگری و تشکیل حزب حکمتیست پراتیک اجتماعی خود را بر مبنای سیاستهایی پیش برده ایم که در این چند سال و از بدو تشکیل این حزب رسماً اعلام شده اند. اگر کسی مجموعه این اسناد را مطالعه کند متوجه یک سیاست، یک جهت گیری عمومی و یک گرایش سیاسی متمایز میشود که امروز در دنیای سیاست خیلی روشن به عنوان حکمتیسم شناخته

شده است و خطوط اختلاف آن با سایر جریاناتی که خود را به کمونیسم کارگری منتسب میکنند بسیار روشن و قابل رویت است. موقعیت اجتماعی حزب حکمتیست، قدرت و قابلیت‌های آن نتیجه اعمال همین سیاستها است.

\* ما این تبیینی که رفقای حزب اتحاد دارند، مبنی بر اینکه گویا همه اشتباه کرده ایم را مردود میدانیم و آنرا بارها نقد کرده ایم. ما خود را در این تبیین نه تنها شریک نمیدانیم بلکه اعتقاد به آن را نشانه عدم نقد سیاسی جدی این رفقا به سیستم نظری و سیاسی رهبری حزب کمونیست کارگری میدانیم. این تلاش آشتی طلبانه میان دو جریان متمایز است که به جنبش های متفاوت اجتماعی تعلق دارند و در نهایت تلاش برای کوتاه آمدن خط مارکسیستی حکمتیستی در مقابل چپ حاشیه ای و آوانسی به جریان باقیمانده در حزب کمونیست کارگری است.

خالد حاج محمدی

از طرف کمیته رهبری حزب حکمتیست

۹ مارس ۲۰۰۸

## به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معترض، تریبون آزادیخواهی است.

کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید.

دارنده حساب: A.J

شماره حساب: 60281719

کد بانکی: 205851

نام بانک: Barclays

زنده باد آزادی، زنده باد برابری



## ۸ مارس در شهرهای ایران، با تمام ممانعت‌های جمهوری اسلامی گرامی داشته شد!

امسال نیز روز جهانی زن در شهرهای مختلف ایران علیرغم تمام تهدیدها و تلاش‌های جمهوری اسلامی برای ممانعت از آن برگزار شد. زنان و مردان آزادیخواه در این روز در تجمعات مختلف، ضمن گرامی‌داشت ۸ مارس بار دیگر در دفاع از حقوق برابر زن و مرد به میدان آمدن و مطالبات برحق خود را به گوش مردم رساندند. اینجا گزارش مختصری از مراسم‌هایی که تا کنون اخبار آن منتشر شده را به اطلاع میرسانیم.

### تهران

روز چهارشنبه ۱۵ اسفند کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان تهران میزبانی به مناسب گرامی داشت روز جهانی زن برگزار کرد. در این مراسم ضمن گرامی‌داشت روز زن و مطالبی درخصوص تاریخچه این روز، حقوق زن، مشکلات جنبش زنان و شرایط بدی که زنان با آن روبرو هستند فشارهای نیروهای امنیتی به بهانه طرح امنیت اجتماعی، دستگیری فعالین زنان و قوانین تبعیض آمیز موجود که زندگی زنان و کل جامعه را تحت تأثیر قرار داده است، از جانب فعالین این کانون و شرکت کنندگان به اطلاع حاضرین رسید. در این مراسم قطعنامه ای در ۱۳ ماده ای که حاوی مهمترین خواست و مطالبات زنان ایران بود به تصویب حاضرین رسید.

در این مراسم تراکت هایی با این مضامین به چشم می خورد: "ما حقوق برابر می خواهیم"، "آزادی زن؛ معیار آزادی جامعه است"، "ما خواهان برخورداری زنان سرپرست خانواده و خانه دار از بیمه ی بیکاری هستیم"، "ما خواهان لغو نابرابری دستمزد زنان کارگر با مردان هستیم"، "حقوق زنان جهان شمول است"، "فقط یک نژاد آن هم نژاد انسانی"، "هرگونه خشونت بر زنان را متوقف کنید".

### سندج

در سندج دو مراسم به مناسبت روز جهانی زن از جانب زنان و مردان آزادیخواه سندج برگزار شد.

روز ۱۷ اسفند ۱۳۸۶ بیش از ۱۵۰ نفر از زنان و مردان برابری طلب در محلی به اسم "کافی شفا" حضور به هم رساندند و ۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داشتند.

مراسم با یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و مساوات شروع و سپس سخنرانی بهزاد سهرابی آغاز میگردد. در ادامه بیانیه ۸ مارس توسط وفا قادری قرائت شده و قطعنامه این روز توسط کیومرث اویسی خوانده می شود. بعد از خواندن قطعنامه و سردادن شعارهایی، مراسم "کافی شفا" در میان شادی و سروس حاضرین پایان می یابد.

روز یکشنبه ۹ مارس مراسمی که از جانب جامعه حمایت زنان و کودکان فراخوان داده شده بود در محل خانه تشکل های غیر دولتی برگزار شد. این مراسم با سخنرانی ثریا محمدی از مسئولین کانون حمایت زنان در مورد روز جهانی زن آغاز شد. بدنبال آن تعدادی از فعالین کانون زنان و کودکان از جمله شتاو نودینیان و آمانج زمانی در مورد مسائل مختلف از موقعیت فرودست زنان در جامعه، مسائل و مشکلات زنان، اهمیت اتحاد و همدلی آنان با هم و مطالبات زنان سخنانی ایراد کردند. در این مراسم آرش کمانگر شعری در مورد زنان قرائت میکند. در این مراسم نمایشگاهی از عکس نیز آماده میکنند که مورد استقبال شرکت کنندگان قرار میگیرد. همچنین قطعنامه ای ۱۲ ماده ای خواند میشود که مورد توافق شرکت کنندگان قرار گرفت.

### مریوان

روز جمعه برابر با ۱۷ اسفند به فراخوان کمیته بزرگداشت ۸ مارس در کنار دریاچه زریبار و با تمام فضای پلیسی که جمهوری اسلامی ایجاد کرده بود برگزار میشود. این مراسم که بیش از ۵۰۰ نفر در آن شرکت میکنند راس ساعت ۳ بعد اظهر شروع و مورد استقبال گرم مردم حاضر در کنار دریاچه قرار میگیرد. مراسم با سر دادن شعار "زنده باد ۸ مارس" و "زنده باد جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی" و توزیع بروشورهایی که به همین مناسبت تهیه شده بود آغاز گردید. در این مراسم پلاکاردهایی با این مضامین به چشم میخورد: "آزادی زنان، آزادی همگان"، "حقوق زنان جهان شمول است"، "جنبش زنان متحد جنبش کارگری"، "آزادی برابری"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد". در پایان، مراسم با قرائت قطعنامه توسط یکی از آزادیخواه شهر مریوان، پایان یافت.

### بوکان

روز جمعه ۱۷ اسفند به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن مراسمی در خارج از شهر بوکان برگزار شد. در این مراسم حدود ۱۰۰ نفر از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب شرکت کردند. همچنین روز ۱۸ اسفند، ۸ مارس، به مناسبت روز جهانی زن تعدادی از فعالین آزادیخواه و برابری طلب اقدام به پخش تراکتهایی کردند که در آنها نوشته شده بود "انسانیت = برابری" و "۸ مارس روز جهانی زن پیروز باد" این اقدام با استقبال خوبی از طرف مردم مواجه شد و فضای جالب و آزادیخواهانه ای به وجود آورده بود و مردم این روز را به هم تبریک میگفتند. در قطعنامه هایی که به مناسبت ۸ مارس از تهران تا شهرهای کردستان صادر شده است، مطالباتی چون، حقوق برابر زن و مرد در زمین های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، لغو احکام اعدام، سنگسار و خشونت در قوانین ایران، آزادی پوشش، محکومیت دستگیری فعالین زنان و دانشجویان، آزادی زندانیان سیاسی، تامین مسکن و معیشت برای کودکان، دختران و زنان بی سرپنا، دفاع از مبارزات کارگران و دانشجویان و معلمان، خواست آزادیهای سیاسی و .... به چشم میخورد.

حزب حکمتیست روز جهانی زن را به همه زنان و مردان آزادیخواه تبریک میگوید.

زنده باد ۸ مارس

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۹ مارس ۲۰۰۸

# زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن